



درد بی درمان هر زمان ریاست طلبی است/ به جای دنیا، جان را آباد کنیم

به گفته آیت الله ضیاء آبادی در جلسه تفسیر، آن چیزی که بعد از مردن می ماند جان است، بدن می پوسد و جان می ماند، مراقب باشیم که به جای دنیا، جان را آباد کنیم.

به گفته آیت الله ضیاء آبادی در جلسه تفسیر، آن چیزی که بعد از مردن می ماند جان است، بدن می پوسد و جان می ماند، مراقب باشیم که به جای دنیا، جان را آباد کنیم.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، جلسه تفسیر این هفته آیت الله سید محمد ضیاء آبادی طبق روال هفته های گذشته بعد از نماز مغرب و عشا در مسجد علی بن الحسین (ع) دربند برگزار شد. این جلسه به تفسیر آیات 54 تا 56 سوره کهف اختصاص داشت.

وی با اشاره به محتوای این آیات، اظهار کرد: این آیات خداوند حکیم در مورد توبیخ و ملامت مردمی است که به ظاهر ادعای پیروی از قرآن می کنند.

وی افزود: آن ها برای ظواهر قرآن اهمیت قائل هستند اما معارف قرآن و شناختی که باید داشته باشند را ندارد. تخلق به اخلاق فاضله که قرآن به آن نظر دارد را ندارند. از برنامه های عملی که برای زندگی شان مقرر شده، تبعیت ندارند. این آیات، این گونه افراد را مذمت می کند.

آیت الله ضیاء آبادی اظهار کرد: «صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ» یعنی ما هیچ کوتاهی نکردیم. قرآن هدایت برای جامعه بشر است و تمام آنچه که بشر لازم داشته است برای سعادت را تصریف کرده ایم. تصریف یعنی یک کلمه را با بیانات مختلف بیان کردن. گاهی گوینده یک مطلب را برای اینکه روی آن تأکید شود و مخاطبان مختلفی را دربر بگیرد با بیان های مختلفی مطرح می کند. گاهی بیان تحقیقی و علمی دارد که مخصوص دانشمندان است و گاهی بیان موعظه ای دارد برای افرادی که دانشمند نیستند اما سیرتشان خوب است و پندپذیر هستند. گاهی هم بیانات تاریخی است. گاهی تهدید، بشارت و ... است. این معنای تصریف است.

این مفسر قرآن با بیان اینکه قرآن برای همه مردم است و با بیان های مختلف از هر مطلبی را دارد، گفت: آنچه در عالم بوده همه در قرآن است. «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا»، انسان از همه چیز بیشتر به جدل مشتاق است و دنبال بهانه است. در مقابل حق خاضع نیستند و جدل همین است. نوع انسان این است مگر اینکه در مکتب اولیای خدا تربیت شده باشد وگرنه به خود رها شده است.

وی عنوان کرد: خداوند در خیلی جاها انسان را مذمت می کند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس است»، (ابراهیم/34). اکثر اینگونه هستند. «إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛ راستی او ستمگری نادان بود»، (احزاب/72). «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ؛ که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است»، (عادیات/6) و انسان حریص است. خدا گله دارد که همه چیز را گفته است. اما این انسان دنبال جدل است.

چرا انسان در برابر حق خاضع نیست

آیت الله ضیاء آبادی در تبیین اینکه چرا انسان با وجودی که عقل دارد، به این شکل است، به تفسیر آیه بعدی (آیه 55 سوره کهف) پرداخت و گفت: «وَمَا مَتَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا»، خدا تعلیم را کم نگذاشته، هدایت آمده است. قاعده این بود که هم به قرآن ایمان بیاورند و اگر گاهی هم خطا می کردند توبه و استغفار می کردند. درست است همه معصوم نیستند اما عقل دارند و با آن می فهمند.

درد بی درمان مردم در هر زمان ریاست طلبی است

وی افزود: هر اعتقادی که داریم از روی عقلمان است و تقلیدی نیست. کار انسان عاقل، ایمان و استغفار است. اینها منتظر همان سرنوشت شوم گذشتگان هستند. ایستادگی می کنند در برابر حق تا عذاب بر آن ها نازل شود و یا اینکه بمیرند و به جهنم بروند. درد بی درمان مردم در هر زمان ریاست طلبی است و اسیر شهوات دنیا شدن و دنیا پرستی است. فرعون با همه

آیت الله ضیاء آبادی گفت: حضرت نوح اولین پیغمبر اولی العزم است. شیخ الانبیا شناخته شده است. 950 سال بین مردم داد توحید زد و آن ها را دعوت کرد. عاقبت حضرت نوح خسته شد و از خدا خواست که برایشان عذاب نازل شود. 950 سال، 80 نفر ایمان آوردند، یعنی هر 12 سال یک نفر ایمان آورده است. عجیب است. آخر حضرت نوح نفرین کرد. اگر اینها را مهلت دهی مردم را گمراه میکنند و نسل گمراه را به وجود می آورند.

وی ادامه داد: اینها چرا ایمان نمی آورند. چون می خواهند برنامه شوم گذشتگان سراغشان بیاید. هدف این است که آنی که گذشتگان را به بدبختی انداخت این بود که مغلوب شهوات و تابع هوای نفس بودند. گناهکار بودند. جوانان بدانند گناهکاری دل را تاریک می کند و دل معرفت ندارد. قلبی که چرک بگیرد را نمی شود کاری کرد. مردم غالباً به شهواتشان آلوده هستند. از این جریان بترسیم و روی قرآن تکیه کنیم. در عمل مراقب باشیم.

این مفسر قرآن با بیان اینکه وقتی چشم سالم باشد از آفتاب و سرما و باد و ... لذت می برد اما وقتی معیوب باشد، از همه چیز نالان می شود، گفت: همینطور دلی که با گناه تاریک است نیز همین مشکل را دارد. آن چیزی که بعد از مردن می ماند جان است. بدن می پوسد و جان می ماند، مراقب باشیم که به جای دنیا، جان را آباد کنیم. خدا رزق را معین کرده است، کار کنیم اما حرص نزنیم اما برای آخرت باید خودمان باشیم. در دنیا اندکی کار کنید چون روزی می رسد اما در مورد بهشت سریع کار کنید و پیشی بگیرید.

وی گفت: در سوره شمس یازده بار خداوند برای تهذیب نفس قسم خورده است. این یازده قسم می خواهد بگوید که مطمئن باشید رستگار آن کسی است که جان خود را تزکیه کند. حسود، طماع، حریص و ... نباشد. هر وقت گناه کردید یعنی این جان خبیث است. اما کسی که جانش را پاک کند، او رستگار است. حسین دوستی و علی دوستی این نیست که ما داریم. حسین دوست و علی دوست، خدا دوست است. خدا دوستی هم این است که تا آلوده باشی نمی توانی با خدا دوست باشی. تنها کسی که جان خودش را تطهیر کرده با خداوند است.

آیت الله ضیاء آبادی اظهار کرد: قرآن قسم یاد کرده که نفس را تزکیه کنید. می توانید انجامش دهید، بهانه ها درست نیستند. قبلاً هم بوده اند افراد عادی که در محیط گناه بودند اما خودشان را حفظ می کردند. زحمت دارد و گنج بی رنج میسر نمی شود. بهشت بی زحمت میسر نمی شود. ذکر و وردی نیست که بخوانی گناه نکنی، این یعنی که انسان نباشی، خود انسان باید با سختی گناه را ترک کند. انسان باید شهوت و غضبش را محکوم عقل قرار دهد.